

اطلاعیه شماره‌ی 15

کمیسیون مبارزه با بوروکراسی و دفاع از دموکراسی کارگری

در باب ایدئولوژی کائوتسکی و استالین

ماهیت استالینیستی و مخرب عبدالله رضائی

بنا به درخواست برخی از رفقا که خواهان نظر ما در مورد عبدالله رضائی بودند، ما لازم دیدیم که اعلام کنیم:

1- شخص عبدالله رضائی با استفاده از روش بمباران (تا هفتاد کامنت و فایل) در بخش کامنت های پست های دیگران در فیسبوک سعی در تخریب مطلب و منحرف کردن افکار خوانندگان از موضوع اصلی می کند. این روش که اغلب با گذاشتن لینک ها و یادداشت های بی ربط به موضوع اصلی اتخاذ می شود، نه برای باز کردن دیالوگ و بحث در زمینه ی موضوع اصلی انجام می گیرد، بلکه به منظور تهی کردن اصل مطلب بحث در پست گذاشته می شود.

2- از آنجائی که طبق گفته خود این شخص («این تعریفی مارکسیستی که شما از سوسیالیسم در کله تان دارید مربوط به دوران کارل مارکس بود که امپریالیسم وجود خارجی نداشت لذا طبیعتا خصلت ضدامپریالیستی ندارد.») او

به مارکسیزم نه به عنوان یک علم بلکه به عنوان یک ایدئولوژی می نگردد، او را در صف استالینیست های قهار سرکوبگر قرار می دهد که همواره در پی لوٹ کردن بحث های علمی و انقلابی هستند. کانوتسکیزم مزورانه ی زنده ی (»بازنشر این یادداشت دوست ارجمندم، آقای حسن مرتضوی، را امشب، بایسته یاقتم. از او سپاس گزارم. ... اکنون بدون اینکه قصد مقایسه ی فریبرز رییس دانا را با لنین داشته باشم... فقط می گویم: در کدام مکتب و آیین و فرهنگ غربی مشاهده کرده اید که مخالفان یک فرد فقط دو ساعت بعد از مرگ رقیب، به خود جسارت می دهند که تمام گذشته ی مورد اختلافشان را روی سفره بریزند؟ کدام آیین انسانی به شما اجازه می دهد در فقدان یک انسان که دیگر نمی تواند پاسخ دهد، به تهمت، لیچارگویی، دشنام زدن بپردازید به جای آنکه لزوما کلیت زندگیش و نه لحظاتی از آن را ارزیابی کنید؟«) درون شخص عبدالله رضائی همواره او را به سوی جدال و دشمنی با مطالب و افراد انقلابی آنچنان سوق می دهد که در نهایت به جدال شخصی می کشد. برای مثال او در باره ی روزبه امامی می نویسد «من با این شخص با نام مستعار روزبه امامی توابع تیر خلاص زن منشعب از مجاهدین خلق و بعد عضو سازمان پیکار ساکن نیویورک...» و در واقع فرد مخالف خود را نه تنها با توهین و تهمت سرکوب می کند بلکه در حد توان و بدون ارائه ی مدرک این فرد را به جاسوسان جمهوری اسلامی لو می دهد. ماهیت توده ای این شخص در تسلیم او به طبقه ی کارگر جهت درگذشت فریبرز رییس دانا به وضوح بارز می گردد. از جمله ی نمونه های دیگر، دیدگاه استالینیستی او در رابطه با دوران گذار و فاز اول کمونیزم (سوسیالیزم) و فاز نهائی کمونیزم است که می گوید «سوسیالیسم مرحله گذار، به جامعه بی طبقه کمونیسم است» و به روشنی نشان

می دهد چگونه در گرداب خط سیاسی استالینیزم همواره دست و پا می زند و از دیگاه علمی مارکس به دور است، زیرا دوران گذار درست بعد از پیروزی انقلاب کارگری -سوسیالیستی آغاز می شود و در آن وجه تولید و توزیع همواره کاپیتالیستی است و تدریجاً به سوی فاز اول کمونیزم می رود و این حرکتی نیست که به طور معجزه آسا شب بعد از انقلاب به طور ناگهانی وجه تولید سرمایه داری به وجه تولید کمونیستی تبدیل شود.

3- یکی از بارزترین جدال های او با کسانی است که مطالب تروتسکی را در پست های خود می گذارند و آنگاه است که خون عبدالله رضائی به جوش آمده و باز شروع به بمباران با مطالب نامربوط خود می کند. به عبارت دیگر او چون دستش به شخص مربوط نمی رسد با این روش سعی در نابود کردن آن پست و در نهایت آن شخص می کند.

4- یکی از افرادی که عبدالله رضائی در کوبیدنش کوتاهی نکرد رفیق یاشار آذری بود. پس از بمباران صفحه او در مقاطع مختلف، و گوشزد کردن این رفیق به او در نهایت جدال از طرف رضائی شکل شخصی به خود گرفت و عبدالله رضائی ماهیت سرکوبگر استالینیستی خود را اینگونه بروز داد که در کامنت خود نوشت «ترک خر» و به همراه آن عکس این حیوان را هم آورد، در اینجا بود که این رفیق هشدار نهانی را به رضائی داد و رضائی در جواب یاشار آذری گفت «من اصلاً دیگه توی این صفحه نیام!» و رفیق یاشار آذری در این مقطع با خوشحالی از او تشکر کرد و اعلام کرد که در این صورت او هم رضائی را در لیست ممنوعه خود قرار می دهد. این جریان به چهار یا پنج سال پیش برمی گردد و شخص رضائی هنوز هم در پی کوبیدن یاشار آذری می باشد. تو گویی این شخص مأموریت دارد تا با هر کسی که عقیده ای مخالف او

دارد در افتاده و آن شخص را به هر وسیله ای شده بکوبد. لذا ابعاد دشمنی او با مخالفان عقیدتی اش وسیع و بی انتها می تواند باشد و هر دم در جانی با کسی یا گروهی در می افتد.

5- افرادی مانند عبدالله رضائی در جنبش چپ کم نیستند. عموماً خرده بورژوازی استالینیست چون در نقطه ی ضعف قرار بگیرد بلافاصله منطق را کنار گذاشته و شروع به پرخاش، توهین، افترا و نهایتاً سرکوب می کند. به کار بردن این ابزار برای ایجاد سرکوب و خفگان روشی متداول است که خرده بورژوازی در جامعه ی طبقاتی سرمایه داری برای حفظ خود می آموزد. متأسفانه جریانات چپ ما نیز فاقد این آسیب اجتماعی نیستند، زیرا در غیر اینصورت مجبور به برخورد با خود می شوند که کاریست بسیار دشوار و چپ ما هنوز نتوانسته به انتقاد از خود بلند شود تا بتواند قدمی به جلو بردارد و لذا همواره در گرداب افکار و خط سیاسی گذشته دست و پا می زند و برای نجات خود از هیچ تهمتی نسبت به دیگران خودداری نمی کند. افرادی مانند عبدالله رضائی (که تعادل ذهنی نداشته و صرفاً به دنبال جدال می گردند) در جنبش چپ کم نیستند.

در آخر باید اضافه کرد که کل این فرهنگِ تهمت، افترا و سرکوب در میدان بوروکراسی حاکم، سوار بر ایدئولوژی و خط سیاسی افراد و تشکیلات ها قرار داشته و عمل می کند. از این روست که دموکراسی کارگری باید در مبارزه با این بوروکراسی همواره در صحنه وجود داشته باشد. این مبارزه ایست که تا برقراری فاز نهائی کمونیزم باید سرلوحه تمام مبارزات طبقاتی قرار گیرد. ناگفته نماند که سکوت در این باره خود، به معنای حمایت از بوروکراسی است

که نشانه‌ی قرار گرفتن در جبهه‌ی بورژوازی و ضد مبارزات انقلابی طبقه‌ی کارگر و زحمتکشان می‌باشد.

لئون تروتسکی: «نخستین نشانه‌ی فساد ترک صداقت است!»

30 اردیبهشت 1400

23 آوریل 2021